

قلم قلم تا قیام

اشاره:

درباره نشانه‌های ظهور حضرت حجت (عج) حرف‌های زیادی زده شده، اما روایات مستند می‌گویند علائم قطعی همین چندتا هستند که در این مطلب خواهید خواند. فکرش را بکنید؛ بیش از ۲ هزار نشانه برای فرج، ظهور و قیامت در کتاب‌های حدیثی بیان شده که هر کدام ارتباط نزدیکی با هم دارند. حالا فکرش را بکنید که از مجموع همه این احادیث و روایات باید درباره وقایع و نشانه‌های ظهور به یک جمع‌بندی رسید و آن‌ها را از نمونه‌های مشابهش تمییز داد. تا به حال تلاش‌های زیادی برای جمع‌آوری احادیث درباره ظهور و قیام حضرت (عج) صورت گرفته و کلی کتاب و مقاله منتشر شده، اما جالب اینجاست که به دلیل تنوع منابع و گاهی اختلاف در معنا، هیچ‌گاه قطعیتی دست ندادم. نتیجه این شده که کلی حرف و حدیث درست و نادرست درباره ظهور راه بیفتد و عده‌ای از همین تفاوت‌ها و شایعه‌ها بهره ببرند برای سوءاستفاده از دیگران. طمع کردن و دکان باز کردن و هزار عیب و ایراد دیگر هم در پی این ابهام پدید می‌آید.

آن‌چه در این صفحات می‌بینید علائمی هستند که به عنوان نشانه‌های قطعی و متواتر در امر ظهور شناخته می‌شوند (در تهیه این مطلب از کتاب محدثان بزرگی چون شیخ صدوق، میرزای قمی، علامه کلینی و کتاب‌های معاصر استفاده شده).

هشدار اول قبل از خواندن مطلب!

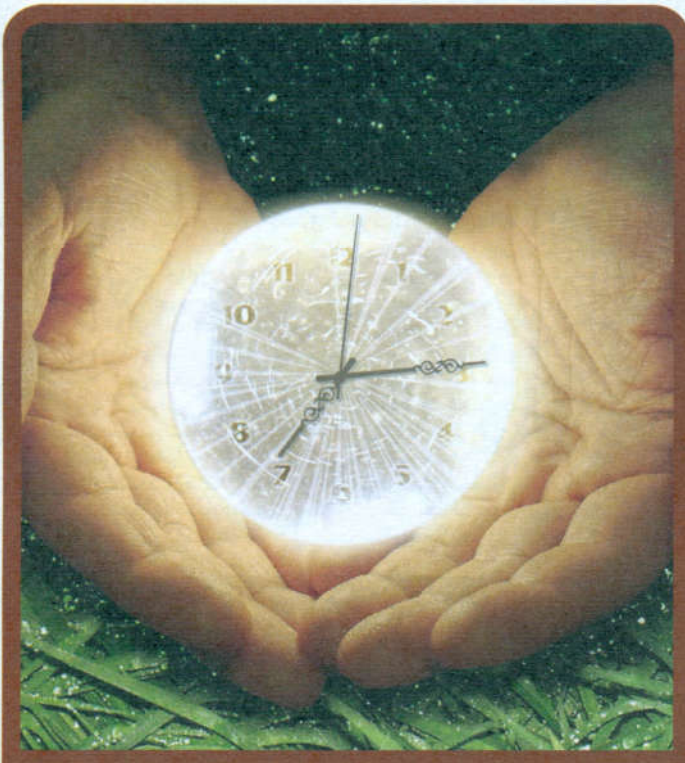
حواس‌تان باشد نشانه‌های ظهور امام مهدی (عج) موضوعی نیست که به راحتی بتوان درباره آن اظهار نظر کرد. چون از یک طرف روایات آن به طور گسترده در منابع کهن و معتبر شیعه و سنی ذکر شده و از سوی دیگر انگیزه برای جعل و تحریف درباره آن جدی بوده. در دوره‌های زمانی مختلف هم این انگیزه جعل و تحریف یا تعبیر به نظر شخصی حسابی بالا رفته؛ مثل‌ها قیام ابومسلم خراسانی با پرچم‌های سیاه (استفاده از روایات ضعیف سید خراسانی) یا نامگذاری برخی آدم‌ها و قتلشان به نام «نفس زکيه».

هشدار دوم هنگام خواندن مطلب!

حواس‌تان باشد؛ معمولاً در احادیثی که از آینده خبر می‌دهند، باید این نکته را مدنظر قرار داد که روش و منش ائمه (عج) معمولاً توصیف ساده و همه‌فهم از آینده بوده. برای مردم آن زمان نمی‌توان از آینده به گونه‌ای تعریف کرد که اصلاً در باورشان نگنجد. همان‌طور که برخی تعاریف و اتفاقات از گذشته تا امروز حسابی تغییر کرده. طبیعی است که تجسم عبارت‌ها هم فرق کند. به اعتقاد بسیاری از عالمان دینی بعید نیست که اسامی به کار رفته در احادیث، غیر از توصیف، نام مستعار یا مشابه آن باشد.

هشدار سوم بعد از خواندن مطلب!

حواس‌تان باشد جز نشانه‌هایی که صراحتاً در احادیث به حتمی بودن آن‌ها اشاره شده، بقیه نشانه‌های ظهور همگی از امور موقوفه به شمار می‌روند؛ یعنی علائم غیر حتمی‌اند و امکان دارد اصلاً اتفاق نیفتد. بزرگانی مانند شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ طوسی تأکید دارند که علائم ظهور حضرت (عج) بنا بر مشیت الهی (مثلاً به دلیل جلو افتادن امر ظهور) می‌توانند دچار تغییر و تبدیل شوند یا تقدم و تأخر آن‌ها تغییر کند. خب بالاخره ظهور حضرت حجت (عج) مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین اتفاق تاریخ است.



معنای کلی نفس زکیه، فرد بی گناه و پاک است. داستان این است که پس از ظهور حضرت و پیش از قیام، فردی از نسل رسول خدا ﷺ (در برخی روایات کلمه‌ای آمده که می‌توان از آن برداشت جوان یا نوجوان داشت) برای ابلاغ پیام شفاهی حضرت مهدی ﷺ وارد خانه خدا می‌شود و هنگام صحبت توسط عده زیادی مظلومانه به شهادت می‌رسد. یعنی خون حرام در ماه حرام و در سرزمین حرام (خانه امن الهی) به زمین ریخته می‌شود. حتی محل قتل او هم معلوم شده؛ خانه خدا، مقابل کعبه و بین مقام حضرت ابراهیم ﷺ و رکن. (هر پایه کعبه به نام رکن خوانده می‌شود که هر کدام با توجه به موقعیت جغرافیایی یک نام دارند) احتمالا منظور احادیث، جایی بین مقام و رکن عراقی یا رکن حجرالاسود است.

درباره نفس زکیه هم همانند یمانی تمایز محکم کمی پیدا می‌شود. نامش محمد است ولی درباره این که سید حسنی است یا سید حسینی و البته درباره نام پدرش اختلاف‌هایی هست. در تاریخ اسلام، آدم‌هایی را داشته‌ایم که لقب نفس زکیه داشته‌اند (مثل محمد بن عبدالله که در زمان امام صادق ﷺ ادعای مهدویت داشت و قیام کرد. اتفاقا او هم کشته شد!) یا پس از کشته شدن، این عنوان مشهور را برایشان استفاده کرده‌اند. نکته جالب این جاست که فقط و فقط ۱۵ روز پس از شهادت نفس زکیه، قیام جهانی حضرت حجت ﷺ آغاز می‌شود.

نکته: غیر از همان تطبیق‌های ناصحیح از نفس زکیه، تأویل و تفسیر دیگری از این موضوع بیان نشده. فقط اینکه شکستن حرمت خانه خدا و ریختن خون مظلوم در حرم امن خدا، آن هم در زمانه ظهور را دقت کنید تا ببینید که قساوت و ظلم تا کجا پیشرفت می‌کند.

ظهور در این زمان تا قیام بزرگ مهدی موعود را به نام «ظهور صغیر» هم گفته‌اند



ندای آسمانی

۳

ندای آسمانی- فریاد حقانیت مهدی

۳

«مردم شرق و غرب به اختلاف می‌گیرند و اهل قبیله (مسلمانان) نیز دچار اختلاف می‌شوند. مردم از ناامنی به شدت رنج می‌برند و این چنین روزگار سپری می‌شود تا منادی آسمانی ندا سردهد. چون بانگ آسمانی را شنیدید، بشتابید».

این حدیث متواتر از امام محمد باقر ﷺ ندای آسمانی را نوید می‌دهد که ظهور حضرت حجت ﷺ را منتشر می‌کند. اگر جایی «صیحه آسمانی» خواندید، تعجب نکنید؛ منظور همین بانگ و ندای آسمانی است. همه روایات‌ها تأکید دارند که این بشارت در همه دنیا، چه غرب و چه شرق شنیده می‌شود. حتی از امام صادق ﷺ حدیث داریم که همه دنیا، هر قومی به زبان خود آن را می‌شنود. روایتهای دیگر تاریخ و زمان را هم مشخص کرده‌اند که مثلاً روز جمعه است و در ماه محرم یا رمضان اتفاق می‌افتد و... درباره محتوای ندا هم اختلاف‌هایی هست. برخی احادیث می‌گویند که حضرت را معرفی می‌کند، از پیروزی و امید خبر می‌دهد، نبرد بزرگ و پیروزی بر شیطان و تسلط شیعیان علی ﷺ را فریاد می‌کند، جاء الحق و زهق الباطل را ندا می‌دهد یا خبر می‌رساند که اکنون حجت خدا در کنار خانه خداست. در روایتهای متعدد (ولی ضعیف) تا چندین ندای آسمانی در روزهای ظهور مطرح شده که حتی صدای شیطان در آسمان می‌پیچد یا هدف گمراهی مردم. **نکته:** در بین تعدادی از نویسندگان کتاب‌های امروزی که مساله ظهور را محور قرار داده‌اند، این دیدگاه مطرح شده که با توجه به پیشرفت‌های امروزی در عصر ارتباطات، منظور از پیچیدن ندا در آسمان، همان پخش عظیم و رسانه‌ای اتفاق است. تفسیر می‌کنند که اگر در آن روزها از صدای بلند برای خبر دادن یک موضوع مهم استفاده می‌شده، طبیعی است که در عصر ما از ماهواره و تلویزیون و رادیو بهره برده شود و مبنای احادیث این است که خبر ظهور حضرت به گوش همه عالم می‌رسد. در طرف مقابل عده زیادی با این تمایز امروزی مخالفند و تأکید دارند که در برخی روایات ندا دهند (منادی) جبرئیل معرفی شده و برداشت از آن به عنوان ندای حق، غلط است. این گروه پژوهشگران عقیده دارند که اگر در این نوع برداشت باز شود، باید برای همه تمایز حدیثی، معادل امروزی پیدا کرد و این قضیه، درست نیست.

خروج و قیام یمانی

۲

۱ قیام سقیانی - چشم شیطان

خروج یا قیام سقیانی

از همه نشانه‌های ظهور قوی‌تر و متقن‌تر است و تقریباً همه علما بر این عقیده‌اند که خروج سقیانی (یعنی منسوب به ابوسفیان) یکی از نشانه‌های محکم ظهور است. حدیث‌های زیادی هم نقل شده‌اند که خروج سقیانی را قطعی می‌دانند: «قیام حضرت علیه السلام از ناحیه خدا حتمی است و امر سقیانی نیز از ناحیه خدا حتمی است و تا زمانی که سقیانی نیاید، حضرت قیام نخواهد کرد».

می‌گویند مشهورترین نامش «عثمان‌بی‌عنبسه» است و پلید؛ شمایل کامل یک انسان چنانیکار را دارد. نمونه تمام یک دیکتاتور که دشمنی با شیعیان و کشورگشایی‌اش زیانزد می‌شود. به نوعی باید او را سردمدار جبهه شر در داستان آخرالزمان دانست.

خروج در این‌جا معنای قیام می‌دهد و با قیامش به سرعت در اطراف سوریه، لبنان و فلسطین امروزی تسلط پیدا می‌کند. با حضور او بخش زیادی از عراق و حجاز به تصرفش در می‌آید و تا ظهور حضرت حجت علیه السلام قدرتش را حفظ می‌کند. مدینه را مانند یزیدبن معاویه به خاک و خون خواهد کشید و بعد از ظهور است که جنگ واقعی بین جبهه خیر و شر در می‌گیرد.

نکته: در دوره‌های زمانی مختلف، برخی گفته‌اند که سقیانی را با شکل و شمایل توصیف شده در احادیث دیده‌اند. ولی هیچ‌گاه و با گذشت سالیان زیاد اتفاقی رخ نداده است؛ برخی تاویل‌ها هم بر این نکته اصرار دارند که همانند «دجال»، تفکر سقیانی بر قسمتی از خاورمیانه، از سوریه تا عراق حاکم می‌شود و نه لزوماً یک فرد مشخص.



واقعۀ خسف در پیدا



ظهور حضرت حجت (عج)

۴

قتل نفس زکیه

۵ خسف در پیدا تنها معجزه قطعی ظهور

از این یک مورد و نام غریبش تعجب نکنید! همین اول بدانید که «خسف» هم ریشه کلمه‌ای است مثل خسوف؛ یعنی پنهان شدن و فرو رفتن. «پیدا» هم نام سرزمینی و صحرائی است بین مکه و مدینه. این اتفاق که تنها معجزه و اتفاق غیر طبیعی ولی موثق در زمانه قیام حضرت است، داستان سقیانی را تکمیل می‌کند. پس از ظهور، سقیانی لشکری را به نیت دستگیری و قتل امام زمان علیه السلام به عربستان می‌فرستد. این لشکر بزرگ و پر تجهیزات، مدینه را ویران می‌کنند. قتل و غارت به راه می‌اندازند و تا می‌توانند ظلم می‌کنند (مثل داستان حمله لشکر یزید به مدینه پس از واقعه عاشورا). لشکر سقیانی در راه رسیدن به مکه در پیدا، به شکلی عجیب نابود می‌شود (یا به تعبیری در زمین فرو می‌رود) و هیچ‌کس باقی نمی‌ماند جز دو - سه نفر، مدتی کوتاه پس از این معجزه است که قیام حضرت حجت علیه السلام آغاز می‌شود. نکته: با توجه به تواتر این روایت اثبات شده، تاویل نوینی بیان نشده. ولی بدانید که در برخی احادیث اهل سنت از ظهور منجی، واقعه خسف در شرق و غرب هم اتفاق می‌افتد. یعنی دشمنان مهدی علیه السلام یکی یکی نابود می‌شود.

۲ قیام یمان - روح حایه حق

تیترو می‌دهد که درباره کدام شخصیت تأثیرگذار زمانه ظهور حرف می‌زنیم. نکته مهم درباره رهبر جبهه خیر این است که روایات مربوط به او محدود و کم است. احادیث رمزگونه هم دلیل دیگری است که ابهامات را افزایش می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که این نوع رمز و راز، به منظور شناخته نشدن توسط دشمنان طراحی شده. برای همین است که حتی در نام و صفتش شک‌های زیادی مطرح شده؛ حسن یا حسین نام دارد و در «کنز العمال» از او با عنوان نصر یا سعید هم یاد شده است. محل قیامش هم بین «صنعا» و «عدن» و جای دیگر باز هم مبهم است. می‌گویند خروج او و سقیانی مثل دانه‌های تسبیح از پی هم است.

میان همه جنبش‌های حق‌خواه، امامان معصوم علیهم السلام او را توصیه می‌کنند؛ چرا که پرچم، پرچم هدایت است و همه را به سوی امام زمان علیه السلام سوق می‌دهند. در مدینه همراه با لشکریانش به یاران امام زمان علیه السلام می‌پیوندند و در قیام همراه اوست.

بد نیست بدانید که در اغلب روایت‌های اهل سنت و برخی روایت‌های ضعیف و واحد شیعه، از فرد دیگری به نام سید خراسانی نام برده شده که هم‌زمان با یمان و در یک روز از خراسان (قم یا سمرقند و چند جای دیگر) قیام می‌کند و به برابر سقیانی می‌ایستد. درست متضاد یمانی، پرچمی سیاه دارد و عده‌ای بر این عقیده‌اند که با یمانی هم یمان می‌شود برای مقابله با سقیانی.

نکته: برخی از نویسندگان کتاب‌های انتظار، این مورد را هم به معنای روایت جو غالب اجتماع مسلمانان توصیف می‌کنند؛ جو حق‌خواهی و قیام علیه ظالم.